

همسر را کشتم چون مهدورالدم بود

12 دی 1403

مردی که به اتهام قتل همسرش ۲ بار محاکمه و در هر دو دادگاه به قصاص محکوم شده بود، پس از نقض حکم از سوی دیوان عالی کشور برای بار سوم در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه و مدعی شد همسرش مهدورالدم بوده است.

کامران علمدهی: اواخر سال 1401 مرد میانسالی با مراجعه به پلیس آگاهی مدعی شد که دختر 38 ساله‌اش به نام سحر ناپدید شده است. وی در تشریح ماجرا گفت: چند ماهی است که دخترم ناپدید شده است. هر بار که از دامادم سراغ او را می‌گرفتم می‌گفت به ترکیه رفته و کار داشته است. اما حالا مطمئنم اتفاقی برای دخترم رخ داده که دامادم نمی‌خواهد واقعیت را بگوید.

پس از اظهارات این مرد، تحقیقات برای ردیابی سحر آغاز شد. از سوی دیگر در بررسی اجساد ناشناس مشخص شد که یک ماه قبل جسد مثله شده زن جوانی در بیابان‌های ورامین کشف شده که بخشی از اعضای بدنش توسط حیوانات وحشی خورده شده بود و به خاطر آن که جسد و هویت آن نامشخص بود در سردخانه پزشکی قانونی نگهداری می‌شد. بدین ترتیب از پدر سحر خواسته شد جسد را شناسایی کند که وی به محض دیدن جسد، دخترش را شناخت.

بازداشت همسر مقتول و اعتراف به جنایت

از آنجا که همسر سحر اظهارات ضد و نقیضی درباره ناپدید شدن همسرش داشت، وی به‌عنوان اولین مظنون بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت.

مرد جوان در بازجویی اولیه گفت: همسرم کارمند بود. مدتی قبل متوجه شدم او با پسر جوانی به نام مهران که در طبقه دوم ساختمان‌مان زندگی می‌کرد ارتباط پنهانی دارد. چون همسرم را دوست داشتم و نمی‌خواستم زندگی‌ام به هم بریزد به او تذکر دادم، اما او با بی‌توجهی به حرف‌هایم من و فرزند 7 ساله‌مان را تنها گذاشت و با مهران به ترکیه گریخت و دیگر نمی‌دانم چه اتفاقی برایش رخ داده است.

اما در بازجویی‌های بعدی وقتی وی با مستندات مأموران مواجه شد، لب به اعتراف گشود و به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت: پس از آن که سحر را کشتم جسدش را در حمام خانه مثله کردم و به بیابان‌های حوالی تهران برده و رها کردم بعد هم به پدر زنم به دروغ گفتم که او به ترکیه رفته است. با تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه 6 دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

اولین جلسه دادگاه

در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند. سپس پدر مقتول به جایگاه رفت و گفت: دخترم همیشه از رفیق‌بازی‌های افراطی شوهرش گلهمند بود. این مرد خانه را به پاتوق دوستانش تبدیل کرده و باعث عذاب دخترم بود. او حتی مهریه‌اش را بخشیده بود تا بتواند از خسرو جدا شود. من به هیچ عنوان حاضر به مصالحه و گذشت نیستم. پس از آن متهم به جایگاه رفت و با پذیرش اتهامش گفت: بعد از اینکه متوجه رابطه پنهانی سحر و مهران

شدم موضوع را به پدر و مادرش گفتم آنها با میانجیگری ما را آشتی دادند. اما دو روز بعد وقتی به خانه آمدم، دیدم همسر مهران که متوجه ارتباط او و همسرم شده بود با میله بارفیکس مقابل خانه ما آمده و شیشه و در خانه مان را شکسته است. من هم میله بارفیکس را برداشتم و وارد خانه شدم و از آنجا که دیگر خسته شده بودم و آرامش زندگی ام از بین رفته بود، به شدت به سحر اعتراض کردم اما با بی‌اعتنایی گفت دیگر علاقه‌ای به ادامه زندگی با من ندارد.

من هم با همان میله چند ضربه به سرش زدم و او را کشتم. بعد هم جسدش را مثله کردم و به بیابان انداختم. 3 شب به آنجا می‌رفتم و به جسدش سر می‌زدم تا اینکه شب چهارم وقتی به آنجا رفتم، دیدم جسد نیست.

در پایان جلسه قضات با توجه به مدارک موجود در پرونده، متهم را به قصاص با پرداخت تفاضل دیه از سوی اولیای دم محکوم کردند. همچنین در ادامه مهران نیز به اتهام رابطه پنهانی با قربانی در پشت درهای بسته و غیرعلنی محاکمه و به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شد.

مشاوره تلفنی

مرکز تخصصی مشاوره ازدواج و تحکیم خانواده

حال خوب

دکتر رویا درویش پیشه

۰۹۱۰۲۹۰۴۷۵۸

ازدواج و زوج درمانی

نقض حکم از سوی دیوان عالی کشور

با اعتراض متهم به حکم صادره، پرونده به دیوان عالی کشور رفت و قضات دیوان با اعلام برخی نقایص و انجام تحقیقات تکمیلی حکم قصاص را شکستند و خواستار رسیدگی دوباره شدند. پس از تحقیقات تکمیلی متهم بار دیگر در شعبه 6 دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد.

دومین جلسه دادگاه

در این جلسه نیز اولیای دم بر قصاص متهم تأکید کردند. پس از آن متهم به جایگاه رفت و مدعی شد که پدر و مادر همسرش در جریان کارهای غیراخلاقی او بوده‌اند حتی از او قول گرفتند که از کارهایش دست بردارد اما او باز هم کار خودش را می‌کرد. حتی یک شب که شیفت شب بود به محل کارش رفته اما آنجا نبود دو ساعت بعد آمد. من هم به پدرم گفتم. جناب قاضی از نظر من همسر مهورالدم بود.

در پایان جلسه قضات ادعای وی مبنی بر مهورالدم بودن قربانی را نپذیرفتند و او را برای دومین بار به قصاص محکوم کردند.

سومین جلسه دادگاه

این بار نیز حکم از سوی دیوان عالی کشور نقض شد و پرونده برای رسیدگی به شعبه 12 (هم‌عرض) فرستاده شد. در این جلسه نیز اولیای دم بار دیگر درخواست قصاص کردند. سپس متهم به جایگاه رفت و اظهارات خودش در جلسه‌های قبلی دادگاه را تکرار و بر مهورالدم بودن همسرش تأکید کرد.

در پایان جلسه، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.